



تحلیل مبانی دینی حفاظت از محیط زیست به عنوان یک هدف تربیتی

ایوب مردانی^۱، سید منصور مرعشی^{۲*}، مسعود صفایی مقدم^۳، سید جلال هاشمی^۴

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید چمران اهواز

۲. دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

۳. استاد دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

۴. استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۱۸

An Analysis of Religious Principles of Environmental Protection as a Training Goal

A. Mardani¹, S. M. Marashi^{2*} (Ph.D), M. Safaei Moghadam(Ph.D)³, S. J. Hashemi (Ph.D)⁴

1. PhD student of educational philosophy, Shahid Chamran University

2. Associate Professor School of Education and Psychology, Shahid Chamran University

3. Professor, School of Education and Psychology, Shahid Chamran University

4. Assistant Professor, School of Education and Psychology, Shahid Chamran University

Received: 2016/04/16 Accepted: 2016/06/7

Abstract

The aim of this study is to analyze religious principles of "environmental protection" as a training goal through a descriptive, analytic, deductive approach. The appendix which begins with description and results in the analysis and deduction. The essence of the research is qualitative, and its type is fundamental research. Required data were gathered from electronic and library resources. The results of the study revealed that environmental knowledge has an important role in attitude framing and subsequent behavior appropriate to the environment. In addition, generating such attitudes in the frame-work of training goal is among the responsibilities of education system. The environmental protection as a goal of education should be based on religious grounds because nature, based on the holy **Quran**- as a God's creation- is systematic, purposeful, and also is manifestation of the divine names and attributes and is governed by divine wisdom. Furthermore, the nature is at the service of human beings based on **Quran**.

Keywords: Religious Principles, Environmental Protection, Training Goal.

چکیده

هدف این پژوهش تحلیل مبانی دینی «حفاظت از محیط زیست» به عنوان یک هدف تربیتی با شیوه توصیفی، تحلیلی و استنتاجی است. روش توصیفی-تحلیلی را می توان به صورت یک پیوستار در نظر گرفت که با توصیف آغاز می شود و به تحلیل و در نهایت استنتاج می انجامد. ماهیت پژوهش کیفی و از نوع تحقیقات بنیادی است. داده های مورد نیاز، از منابع کتابخانه ای و الکترونیکی استخراج گردیده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که دانش و اطلاعات محیط زیستی نقش تعیین کننده ای در ایجاد نگرش و بروز رفتارهای مناسب محیط زیستی دارند و تولید این دانش ها در قالب هدف تربیتی از وظایف نظام آموزشی است. حفاظت از محیط زیست به عنوان یک هدف تربیتی باید مبتنی بر مبانی دینی باشد؛ زیرا طبیعت از منظر **قرآن**، مخلوق مستمر خداوند، نظام مند، هدفمند، آیت و تجلی صفات و اسماء الهی است که بر اساس تدبیر حکیمانه الهی اداره می شود و از سوی دیگر، از دیدگاه **قرآن**، طبیعت مسخر و در اختیار انسان است.

واژه های کلیدی: مبانی دینی، حفاظت از محیط زیست، هدف

تربیتی.

مقدمه

محیط‌زیست یکی از مواهب الهی است که بستر تداوم حیات بشر است. به عبارت دیگر، محیطی است که زندگی انسان و سایر موجودات را فراگرفته، با آن برهم‌کنش دارد (Soltani, 1993: 1). انسان برای رشد و تعالی خود به محیط‌زیست سالم نیازمند است. در محیط زیست سالم تمام عوامل درگیر، در تعادل محیط‌زیستی با یکدیگر قرار دارند. این تعادل در محیط‌های طبیعی زمین، مثل آب، خاک و هوا بصورت خدادادی نهفته‌است. تخریب محیط‌زیست، بر هم زدن این تعادل است. انسان با دخل و تصرف بی‌رویه و خارج از ظرفیت، تعادل محیط‌زیست را برهم می‌زند و باعث تخریب آن می‌شود. شروع انقلاب صنعتی، تسلط انسان را بر طبیعت بیشتر کرد و هرچه احاطه بشر بر طبیعت، فزونی می‌یافت، هم‌سوی آن به‌علت عدم آگاهی، منفعت‌طلبی و مسائلی از این قبیل، تخریب محیط‌زیست، افزایش پیدا می‌کرد. پیشرفت‌های علمی بشر نه تنها به نفع محیط‌زیست او نبوده است بلکه هر روز انسان را با مشکلات جدید محیط‌زیستی مواجه کرده‌است. دخل و تصرف لجام‌گسیخته انسان در محیط‌زیست و بهره‌کشی بی‌حد و حصر او از منابع طبیعی منجر به وقایع و فجایع زیان‌بار بی‌شماری در زمین شده‌است. جهان شاهد مشکلات محیط‌زیستی عظیم و فراوانی است که زندگی فردی و اجتماعی انسان، حیات طبیعت و جهان را با تهدید جدی رو به رو کرده‌است. انسان در ایجاد برخی از این مشکلات مانند تغییر اقلیم نقشی ندارد. اما به نظر می‌رسد ریشه برخی از این گرفتاری‌ها و مشکلات، حاصل نوع خاصی از ارتباط انسان با محیط است. انسان با توجه به فهم و شناختی که از محیط‌زیست کسب می‌کند، می‌تواند روابط و رفتارهای خود را با محیط‌زیست تنظیم کند. اگر انسان محیط‌زیست را ابزار و کالای مصرفی بیندارد و خود را مجاز به هر گونه دخل و تصرف در آن بداند، این نحوه تفکر باعث شکل‌گیری رفتارهای محیط‌زیستی خاصی در فرد می‌شود که نتیجه آن، بحران‌های محیط‌زیستی است. هرگونه اقدام برای مقابله با بحران‌های محیط‌زیستی در گرو فهم و شناخت عواملی است که باعث این بحران‌ها می‌شود.

طبق آموزه‌های دینی، انسان اشرف مخلوقات است و طبیعت برای او خلق شده است تا برای رفع نیازهای خود از آن بهره‌گیرد. اما بشر هنگام بهره‌وری، باید تعادل موجود در محیط‌زیست را حفظ کند. زیرا حفاظت از محیط‌زیست به معنی استفاده نکردن از آن نیست، بلکه مقصود از بهره‌وری، استفاده بهینه همراه با مراقبت و نگهداری از محیط‌زیست است. اسلام، به عنوان کامل‌ترین دین تمام جوانب زندگی بشر را در نظر دارد و برای آنها برنامه کامل، دقیق و منظمی ارائه می‌کند. حیات بشر وابسته به محیط‌زیست پیرامون اوست. محیط‌زیست با توجه به تأثیر تعیین‌کننده‌ای که بر زندگی بشر دارد، حفاظت از آن در دین اسلام مورد

تأکید قرار گرفته‌است. به عبارت دیگر دلیل حفاظت از محیط‌زیست از مبانی دینی استخراج می‌شود. مبانی دینی توصیف‌ها و مختصات از طبیعت هستند که از سوی منابع دینی به‌ویژه قرآن کریم ارائه شده و یا توسط محققان و مفسران از منابع مذکور استخراج می‌شوند. این توصیف‌ها و مختصات انسان را وامی‌دارند که حفاظت از محیط‌زیست را سرلوحه برنامه‌های زندگی خود و به ویژه تعلیم و تربیت قرار دهد. مسئله اصلی این پژوهش آن است که چرا تعیین حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یک هدف تربیتی (آموزشی و پرورشی) ضرورت دارد؟ از دیدگاه اسلام این هدف باید بر چه مبانی استوار باشد؟ با توجه به گستردگی موضوع پژوهش، قلمرو آن اولاً، به محیط‌زیست طبیعی و ثانیاً، به بررسی مبانی دینی حفاظت از محیط زیست با تأکید بر آیات قرآن کریم محدود شده‌است.

با توجه به این که مسئله پژوهش بر تعیین مبانی دینی (قرآنی) حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یک هدف تربیتی تأکید دارد، بنابراین قبل از شناخت مبانی دینی حفاظت از محیط‌زیست، بیان ضرورت تعیین حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یک هدف تربیتی و نیز ویژگی‌هایی که می‌توان برای این هدف تربیتی تصور کرد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است چون در صورت تأیید ضرورت تعیین حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یک هدف تربیتی است که تعیین و تحلیل مبانی آن ضرورت پیدا می‌کند.

مبانی دینی (قرآنی) حفاظت از محیط‌زیست سلسله‌ای از بایدها و نبایدها است. فهم بایدها و نبایدها، نیز فهم بُحران‌های محیط‌زیستی و برنامه‌ریزی برای مقابله و مواجهه با آنها و حفاظت از محیط‌زیست در زمره فعالیت‌های ضروری آموزش و پرورش است. برای حفاظت از محیط زیست لازم است که این بایدها و نبایدها را در قالب اهداف تربیتی تنظیم کرد و آنها را مبنای فعالیت‌های آموزشی حفاظت از محیط‌زیست قرار داد. در چنین وضعیتی است که نظام تعلیم و تربیت می‌تواند متخصصانی تربیت کند که در مورد محیط‌زیست دارای بینش مثبت باشند و استانداردهای آن را رعایت کنند. آموزش بر اساس اهداف تعیین شده می‌تواند با ایجاد نگرش‌های مطلوب، دیدگاه‌ها و رفتارهای افراد را در خصوص محیط‌زیست اصلاح کند و تفکر انسان‌ها را به گونه‌ای پرورش دهد که در رفتارهای خود مؤلفه‌های «حفاظت از محیط زیست» را در نظر بگیرند.

هدف اصلی پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، بررسی ضرورت تعیین حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یک هدف تربیتی و تحلیل مبانی دینی آن است.

اهداف فرعی

۱. تعیین و تشریح دلایل ضرورت تعیین حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان یک هدف تربیتی.
۲. تبیین و تحلیل مبانی دینی حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان یک هدف تربیتی.

سؤال کلی پژوهش

ضرورت انتخاب حفاظت از محیط زیست به عنوان یک هدف تربیتی چیست و بر چه مبانی دینی استوار است؟

سؤالات پژوهش

۱. چرا تعیین «حفاظت از محیط زیست» به عنوان هدف تربیتی یک ضرورت است؟
۲. مبانی دینی تعیین «حفاظت از محیط زیست» به عنوان یک هدف تربیتی کدامند؟

روش‌شناسی پژوهش

روش انجام این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. روش توصیفی-تحلیلی را می‌توان به صورت یک پیوستار در نظر گرفت که با توصیف آغاز می‌شود و به تحلیل و در نهایت استنتاج می‌انجامد.

ماهیت پژوهش کیفی و از نوع تحقیقات بنیادی است و برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش هیچ‌گونه داده کمی گردآوری نشده‌است. اما برای پاسخگویی به سؤال اول پژوهش-ضرورت تعیین حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یک هدف تربیتی- علاوه بر اطلاعات کیفی، نتایج تحقیقات کمی محققین دیگر نیز تحلیل و مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

برای گردآوری اطلاعات با توجه به مسأله و سؤالات پژوهش، منابع شناسایی گردید و با مطالعه دقیق از نکات مرتبط با مسأله پژوهش، یادداشت‌برداری و پس از بازبینی یادداشت‌ها، یافته‌ها، تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی شد و در مواردی برخی از مفاهیم تحلیل گردید. سپس اطلاعات به دست آمده از منابع گوناگون با هم ترکیب شد و در نهایت نتیجه‌گیری صورت گرفت و به ترتیب به سؤالات پژوهش پاسخ داده‌شد.

یافته‌های تحقیق

در این قسمت از مقاله با ارائه و تحلیل یافته‌هایی که از منابع مختلف گردآوری شده‌اند، به سؤالات پژوهش پاسخ داده‌می‌شود. قبل از بررسی سؤالات پژوهش بر حسب ضرورت لازم است مفهوم هدف تربیتی روشن گردد.

هدف تربیتی

هدف در لغت به معانی «ساختمان بلند»، «برآمدگی کوه» نشانه، غرض و «نشانه در تیراندازی از این جهت که در ارتفاع قرار می‌گیرد» است. واژه-

های غرض، غایت و قصد با هدف مترادف و مفهوم «نهایت و سرانجام» در این واژه‌ها مشترک است. وجه مشترک این معانی، برآمدگی، برجستگی و مرتفع بودن است. هدف تربیتی به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که به طور آگاهانه، سودمند است و برای تحقق آن، فعالیت‌های مناسب تربیتی اجرا می‌شود. هر هدف تربیتی بر فعالیت منظم، سازمان‌یافته و منسجم دلالت دارد که نه تنها مبین میسر و جهت فعالیت‌های تربیتی است، بلکه متضمن نتایج این فعالیت‌ها نیز است (Ajam and Saeed Rezvani, 2012: 51). از ویژگی‌های دیگر هدف‌های تربیتی می‌توان به اختیاری بودن، همسازی با فطرت، جامعیت و ایجاد انگیزش اشاره کرد. هدف‌های تربیتی دارای سه کارکرد هستند: ۱. رهبری فعالیت‌های تربیتی؛ ۲. ایجاد انگیزه در فرد ۳. ارائه معیاری برای ارزیابی (Howzeh & University Institute, 1999: 5). اهداف تربیتی به شیوه‌های مختلف از جمله: نهایی و غیرنهایی، غایی و آرمانی، رفتاری و غیررفتاری و غیره تقسیم‌بندی می‌شوند. منابع انتخاب غایت‌های تربیتی یا هدف‌های کلی آموزش و پرورش عبارت‌اند از: نیازهای دانش‌آموزان و دانشجویان، نیازهای جامعه و نظر متخصصان درسی. برنامه‌ریزان و هدف‌گذاران آموزش و پرورش باید هم نیازهای یادگیرندگان را در نظر بگیرند، هم احتیاجات جامعه را تأمین کنند، و نظر متخصصان موضوع‌های درسی را در تعیین هدف‌هایی که برمی‌گزینند، منظور بدارند (Tyler, 1978: 8). مبنای تعیین اهداف تربیتی سه دسته‌اند: علم، فلسفه و دین. هر یک از این سه منبع، می‌تواند مبنایی برای گزینش و انتخاب اهداف تربیتی و رفع نیازهای انسان باشد. در این قسمت قبل از پرداختن به مبانی دینی تعیین حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یک هدف تربیتی به ضرورت تعیین این ایده به عنوان یک هدف تربیتی پرداخته شده‌است.

ضرورت تعیین حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یک هدف تربیتی

انسان مسئول رشد و کمال خویش‌است. خداوند طبیعت را برای بهره‌وری متعادل در اختیار انسان قرار داده، استعدادهای لازم را در وجود وی به ودیعه نهاده است. اما انسان با رفتارهای ناصحیح خویش محیط‌زیست را تخریب کرده، این موضوع را به یکی از چالش‌های اساسی جهان معاصر تبدیل کرده‌است.

انسان برای تأمین نیازهای خود به محیط‌زیست وابسته است. اگر محیط‌زیست قادر به این امر نباشد، امکان حیات برای بشر وجود نخواهد داشت. وضعیت کنونی محیط‌زیست مطلوب نیست. عوامل بوجود آورنده این وضعیت نامطلوب متعدّدند. برخی عوامل مانند تغییر اقلیم از کنترل انسان خارج‌اند. اما برخی دیگر مانند تخریب و

حساسیت‌های لازم نسبت به محیط‌زیست ناکارآمد تشخیص داده‌اند. ایجاد تغییر در برنامه‌های آموزشی و عاطفی- اجتماعی در این زمینه را ضروری می‌دانند (HajHosseini, 2010: 90). افزایش دانش و آگاهی در مورد مسایل محیط‌زیستی و کسب مهارت‌های لازم برای حفظ محیط‌زیست در طول زندگی فرد، مستلزم آموزش است. به وسیله آموزش، دانش، نگرش، مهارت‌ها و عادات و به طور کلی شیوه زندگی افراد تغییر کرده، در نهایت موجب تغییر یا تعدیل رفتار می‌شود. آموزش، معمولاً به یک ارزش توجه دارد. شناخت ارزش- های محیط زیستی یک سلسله بایدها و نبایدهای تربیتی به همراه خواهد داشت. این بایدها و نبایدها را باید مبنای تنظیم اهداف تربیتی قرار داد و محتوای لازم را برای تحقق آنان تدوین کرد و بدین‌وسیله دانش‌ها و مهارت‌های لازم برای بروز رفتارهای محیط‌زیستی مناسب در فراگیران فراهم می‌شود زیرا دانایی، به معنای داشتن عقیده راسخ و واقعی، برای نیک رفتار کردن کافی است (Kardan, 2002: 22). فراهم کردن زمینه کسب این دانایی، وظیفه نظام تربیتی است. با توجه به استدلال‌های صورت گرفته انتخاب حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یک هدف تربیتی ضروری است. مهم‌ترین ویژگی‌ها و معیارها گزینش حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یک هدف تربیتی عبارتند از:

1. انتخاب حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یک هدف تربیتی با کمال نهایی انسان-مهم‌ترین هدف زندگی او- سازگاری و در تحقق آن بسیار مؤثر است.
2. انتخاب حفاظت از محیط زیست به عنوان یک هدف تربیتی، در تأمین نیازهای گوناگون شخص مؤثر است و بر سایر شئون زندگی انسان تأثیر نامطلوب ندارد.
3. یکی از شاخص‌های ارزیابی این هدف تربیتی، قابل وصول بودن و پویایی آن است. توجه به نیازهای حال و آینده فرد و جامعه، مقتضیات زمان و مکان و در نظر گرفتن زمینه‌های عینی، شناخت موانع و مشکلات می‌تواند در تعیین قابل وصول بودن و پویایی این هدف مؤثر باشد.

مبانی دینی حفاظت از محیط زیست

برخی از باورهای دینی برای طبیعت، ارزش معنوی در نظر دارند تا جایی که عدل‌ای به پرستش بعضی از عناصر آن پرداختند. تفکر اسلامی یکی از معتدل‌ترین و منطقی‌ترین دیدگاه‌ها را در مورد طبیعت معرفی کرده، ضمن ارزش‌گذاری ملکوتی برای آن (Araf: 185; Q')

سوزاندن جنگل‌ها، آلودگی هوا، آلودگی آب‌رودخانه، دریاها و اقیانوس‌ها، خشکاندن تالاب‌ها و مواردی از این قبیل، نتیجه طرز تعامل انسان با محیط‌زیست هستند. نهادهای آموزشی در ارتباط با عوامل مذکور می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌باشند. در ارتباط با عوامل دسته اول وظیفه نهادهای آموزشی رسمی و غیررسمی؛ آموزش طرز تعامل، مواجهه و کنار آمدن با وضعیت موجود است. در ارتباط با عوامل دسته دوم نقش نهادهای مذکور، آموزش طرز تعامل درست با محیط‌زیست، آموزش بهبود کیفیت محیط‌زیست، کاهش تأثیر معضلات محیط‌زیستی، آموزش جلوگیری از ادامه روند کنونی است. مطالب مذکور نشان می‌دهند که آموزش محیط‌زیست در هر دو حالت امری ضروری است. آموزش نیز معمولاً بر اساس هدف‌های از قبل تدوین شده، صورت می‌گیرد.

دلیل دوم ضرورت تعیین حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یک هدف تربیتی آن است که دانشمندان بسیاری از معضلات محیط‌زیست را ناشی از پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم رفتار انسان می‌دانند. از جمله متغیرهای مهم برای پیش‌بینی رفتار انسان، دانش فرد درباره مسائل محیط‌زیستی است. دانش به منزله یک ضرورت برای انجام موفقیت‌آمیز فعالیت‌های انسان قلمداد می‌شود. اگر چه دانش همیشه تأثیر مستقیم بر رفتار ندارد، اما مکانیسم‌های تسهیل‌کننده تغییر رفتار را تقویت می‌کند (Frich, 2004). مطالعات متعدد تأثیر دانش بر افزایش رفتار محافظت از محیط‌زیست را مورد تأیید قرار داده‌اند (Wallner, 2003). برخی دیگر دانش و اطلاعات را از پیش‌شرط‌های ضروری ایجاد و تغییر نگرش می‌دانند یعنی این‌که دانش نوع نگرش انسان را نسبت به محیط‌زیست تحت تأثیر قرار می‌دهد (Kaiser. et, al, 1999). نحوه نگرش و تفکر فرد باعث رفتارهای محیط‌زیستی خاصی در وی می‌شود. بنابراین انسان روابط خود را با محیط‌زیست با توجه به دانش و شناختی که از آن کسب می‌کند، تنظیم می‌نماید.

نتایج تحقیقات نشان داده که آگاهی‌های محیط‌زیستی می‌توانند نگرش فرد را تحت تأثیر قرار دهند و در نهایت به رفتارهای مسئولانه نسبت به محیط‌زیست منجر شود (Ayodeji, 2010; Salehi, 2000). تحقیقات نشان دادند که میانگین آگاهی‌های دانش‌آموزان و دانشجویان نسبت به مسائل محیط‌زیستی محدود و اندک است (Oguz et, al, 2010 & Salehi, 2010). لذا نمی‌توانند نسبت به محیط‌زیست و مشکلات آن نگرش تأثیرگذاری داشته باشند (Akamolafe, 2011).

آموزش محیط‌زیست بر ارتقای دانش، نگرش و مهارت‌های افراد تأثیر فراوان دارد (Jowkar and Mir Damad, 2010: 9). اما دانش‌آموزان وضعیت موجود آموزش‌های محیط‌زیستی را جهت ایجاد

۱. Q مخفف Ayeh soureh: Holy Quran است. ارجاعات به آیات قرآن کریم به این ترتیب (قرآن، سوره: آیه) است.

خود و نیز نیل طبیعت به فرجام خود، ملزم به رعایت اخلاق محیط‌زیستی است زیرا انسان در این فرایند نمی‌تواند خود را جدای از سایر اجزای طبیعت ببیند.

۲. طبیعت تسلیم و فرمانبرداری خداوند است

طبیعت همراه قوانین و سنت‌های حاکم بر آن، نظام هماهنگ و تحت فرمان اوامر الهی است. از این رو در جهان‌بینی‌هایی که طبیعت را تحت سنت‌های خداوند دارای هماهنگی بنیادین می‌بینند، همواره نمونه‌های اعلا تسلیم را یادآوری می‌شوند (Nasr, 2000:201-202). برخی از آیات قرآن (فصلت، ۱۱؛ روم، ۲۶) که ارتباط مستقیمی با موضوع تسلیم دارند، بیانگر آن هستند که طبیعت از سر شعور، تسلیم پروردگار خویش است.

طبق بیان قرآن کریم، خداوند بر همه چیز قادر است (طلاق، ۱۲). و همه اجرای طبیعت فرمانبردار بی‌چون و چرای اوست. با این حال فرمان و اختیار طبیعت به دست انسان است یا در جهت منافع انسان حرکت می‌کند: «وَدَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ» و آنها را برای ایشان رام گردانیدیم. از برخی‌شان سواری می‌گیرند و از بعضی می‌خورند (نحل، ۱۲؛ یس، ۷۲).

یکی از ابعاد اخلاقی این گونه آیات، آن است که آدمی خود را در برابر محیطی می‌بیند که از روی آگاهی، تسلیم پروردگار شده، خود را در اختیار انسان نهاده است. شایسته است که انسان با استفاده بهینه از مواهب این طبیعت و رعایت حقوق سایر اجزای طبیعت، هم‌آوا با هستی و فرمان‌بردار واقعی خداوند باشد.

۳. طبیعت داری انسجام و سنجیدگی است

از نظر قرآن، انسجام و سنجیدگی یکی دیگر از ویژگی‌های بارز و مهم آفرینش است که خداوند آن را بر اساس حکمت آفریده است. قرآن درباره همه اجزای طبیعت به طور عام می‌فرماید: «به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است» (طلاق، ۳؛ فرقان، ۲). خداوند، محیط زیست و طبیعت را به دقت هر چه تمام‌تر، هماهنگ، باثبات و از روی اندازه و حساب آفریده است (Saad Eddin, 1999: 40).

قرآن همچنین به طور خاص درباره برخی از اجزای آفرینش توجه خاصی به هماهنگی و انسجام در خلقشان دارد. در خلقت آسمان می‌فرماید: «و آسمان را برافراشت و ترازو را گذاشت. تا هر گونه ابزار سنجش را در میان نهاد تا باورها، گفتارها، کارها و دیگر چیزها با آن سنجش شود» (الرحمن، ۷-۸). اینها حاکی از آن است که طبیعت هر موجودی از سر دقت و حکمت آفریده شده است؛ پس انسان‌ها باید این نظم شگفت‌انگیز، طبیعت را که حیات آدمیان

(Anaam:75)، آن را موجودی هوشمند می‌شمارد، کلیت طبیعت برای سعادت انسان مسخر و مقرر کرده است.

خداوند پدیده‌های طبیعی را با برخی ویژگی‌ها و صفات مشترک آفریده است که بین تمام اجزای این جهان عمومیت دارند که در ذیل به برخی از آنها پرداخته شده‌است:

۱. طبیعت هدفمند و هدایت کننده به سوی خداست

طبیعت و فرایندهای طبیعی می‌توانند تا حد زیادی نشانگر راهی باشد که انسان را به دور از انحراف‌های غیرطبیعی به مقصد نهایی خلقت رهنمون شود. ابتدای طبیعی که در طبیعت وجود دارد نشانه-ای برای ابتدای اختیاری انسان به سوی خداوند است. «قطعاً بساط آفرینش برای بازی کردن نیست» (رعد، ۱۷-۱۶) و «چرخه حیات طبیعی آدمی در نهایت با رجوع به خداوند به منتهای خود می‌رسد» (مؤمن، ۱۱۵). از نظر قرآن، هر پدیده‌ای برای رسیدن به غایتی که برای آن آفریده شده، در حرکت است و مجموعه پدیدارهای طبیعی به سوی مقصد نهایی خویش در حرکت هستند. از هدفمندی طبیعت برمی‌آید که تمام اجزای آن رو به سوی خالق خود دارند (رعد، ۲). از میان تمام موجودات تنها انسان دارای اراده و اختیار است و می‌تواند با انتخاب خود، در مسیر حرکت به سمت مقصد غایی آفرینش که برآورنده سعادت اوست، گام بردارد. «در خلقت آسمان و زمین و آنچه در آن است هدف و غرضی در کار است» (ص، ۲۷). و نیز خداوند می‌فرماید: «آسمان و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازیچه نیافریدیم» (انبیاء، ۱۶) تفکر در طبیعت می‌تواند راهگشای فهم غایت اصلی خلقت باشد و بدین طریق مقصد آفرینش را معلوم سازد. در برخی از آیات دیگر آمده است که آفرینش آسمان و زمین دارای غایت است و باطل در آن راه ندارد و از روی لهو و لعب نیست (دخان، ۳۹-۳۸). از این آیات استنباط می‌شود که خداوند پدیده‌ها را برای آسایش و بهره‌گیری انسان در جهت پیمودن راه کمال آفریده است. انسان نیز باید با استفاده از درایت و شعور خود جهت استفاده صحیح از نعمت‌ها تلاش کند. بهره‌گیری صحیح از نعمت‌های خداوند، یک رفتار صحیح و الگوی کاربردی در جهت حفظ و استفاده متعادل از منابع طبیعی و محیط زیست معرفی می‌شود. پس با توجه به آیات قرآن کریم، نظام آفرینش در مقام پیدایش، بی‌پهلو آفریده نشده است و در مقام بقا نیز رها نیست تا انسان هر گونه که بخواهد و نیازش اقتضا کند، از آن بهره‌گیرد و به آن آسیب برساند. شایسته است انسان به عنوان جزئی هدفدار از طبیعت با بهره‌گیری درست از قوه عاقله خود، زمینه را برای سایر اجزای طبیعت در جهت رسیدن به غایت آنها فراهم آورد. زندگی آدمی با طبیعت پیوند دارد، پس او برای نیل به کمال

بخشش خدایی جدا نمی‌شد (Javadi Amoli, 2007: 19-20). پیامبر اکرم(ص) نیز می‌فرماید: خداوند زیباست، زیبایی را دوست دارد (Nahjolfasa, 2007, H: 780). بنابراین از دیدگاه قرآن کریم، طبیعت زیبا خلق شده است تا بخشی از گرایش درونی انسان به زیبایی برآورده شود.

هر کس از تماشای منظره‌های زیبای طبیعت احساس آرامش و نشاط کرده، امنیت و آسایش را در حیات لمس می‌کند (Hosseini Zaki, 2004: 118). الگوی اخلاق محیط‌زیستی قرآنی، انسان را به حفظ زیبایی محیط‌زیست که صنع خدای زیباست، رهنمون می‌گردد و این امر با فطرت انسانی سازگار است. یکی از اسما‌ی الهی «القدوس» است (جمعه، ۱). امر قدسی به خودی خود همان طور که خود را در پدیده‌های این عالم متجلی می‌سازد، حقیقتی الهی است. از اینرو پدیده‌های عالم مقدس هستند (Jahanbegloo, 2007: 288) و از آنجا که طبیعت فعل و مخلوق خداوند است، در نزد انسان قدسیت خاصی دارد. اسلام به محیط‌زیست با دیده‌ای تقدس‌آمیز نگریسته است. رشد آدمی نه تنها در تعامل با دیگر انسان‌ها، بلکه در برخورد بهینه و مشفقانه وی با محیط‌زیست تحقق خواهد یافت که به منزله پلی برای رسیدن به آسمان، در نظر گرفته شده است (Manteghi, 2009: 333).

بشر می‌تواند قداست و معنویت طبیعت را ببیند و در نتیجه نه تنها حرمت آن را حفظ کند بلکه همچون پاره‌ای از وجود خویش با آن رفتار نماید. برای درک قدوسیت خداوند، نگاه به طبیعت که امری قدسی است، ضروری است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «زیبایی و قدسیت طبیعت را تنها خردمندان در می‌یابند» (زمر، ۹). زیبایی و قدوسی بودن طبیعت را مقدمه‌ای برای درک قدوسیت خداوند معرفی می‌کند و این نگاه مقدسی است که آدمی را آراسته به مراعات اخلاق محیط‌زیستی کرده، او را در قبال این طبیعت قدسی مسئول می‌سازد.

۵. طبیعت هوشمند و معنادار است

تعالیم دینی، از جمله تعالیم وحیانی اسلام بر واجد روح بودن و هوشمندی عالم وجود و از جمله طبیعت و جمادات اشاره دارند (Naghizadeh, 2002: 150). حضرت علی(ع) می‌فرماید: «خداوند تبارک و تعالی آفرینش هر چیز را در زمان معینش به انجام رسانید و میان طبایع گوناگون سازش پدید آورد و هر چیزی را غریزه و سرشتی خاص اعطا کرد و هر غریزه و سرشتی را خاص کسی قرار داد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱: ۳۱-۳۰). برای هوشمند بودن طبیعت استدلالاتی مطرح می‌شود که ساده‌ترین و مادی‌ترین آنها، وجود روابط فیزیکی، شیمیایی و زیستی موجودات است که به

و دیگر حیوانات زنده در گرو آن است، بزرگ بشمارند و آن را پاس بدارند و از هر گونه فساد و اسراف در بهره‌وری از طبیعت پرهیزند که پیامدهای بس وخیم و زیان‌بار آن دامنگیر خود آنان خواهد شد. این هشدار در بیان قرآن به شکل بسیار جدی‌تری بیان شده است: «از روزی خدا بخورید و بیاشامید و فسادگرانه در زمین تباهی مکنید» (بقره، ۶۰). بر پایه این آیه، از جمله فسادهایی که ممکن است انسان مرتکب شود، آلودگی و تخریب محیط زیست است. برخی از انسان‌ها با اقدامات غیرمنطقی خود، چهره طبیعت را مخدوش ساخته، دامنه آلودگی محیط‌زیستی را به قدری گسترش داده‌اند که زندگی انسان‌های امروز و نسل‌های آینده را به خطر انداخته است. لازمه رهایی از وضعیت موجود، دگرگونی در نگاه انسان به طبیعت و تعامل مطابق خلقت با آن است (Hosseini, 2003: 135). این تعامل باید براساس عدالت باشد تا نظم و انسجام طبیعت پابرجا بماند. از بیان: اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى (مائده، ۸)؛ می‌توان یکی از مصادیق عدالت تقوا را در برخورد مناسب با محیط و بهره‌برداری شایسته از آن دانست. هر چند برخی از اجزای طبیعت قابل بازسازی باشد، این علتی نیست که انسان خودمختار عمل کند و انسجام طبیعت را بر هم زند. قرآن کریم تخریب محیط زیست را نوعی فساد در زمین می‌داند: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا؛ و در زمین پس از آن که سامان یافته است، تباهی نکنید» (اعراف، ۸۵). رعایت تعادل محیط زیست و اصلاح در زمین و آبادانی آن از مصادیق برجسته عهد و میثاق خداوند با آدمی و عین اخلاق محیط‌زیستی است. نادیده گرفتن چنین عهدی موجب خسران است. قرآن می‌فرماید: «هر عمل نیک یا بد به نفع یا ضرر انجام دهنده آن است» (رعد، ۲۵؛ فصلت، ۴۶). پس بر اساس منافع حتی مادی، انسان باید به اخلاق محیط‌زیستی پای‌بند باشد چرا که عکس‌العمل بد اخلاقی و لطمه به طبیعت با توجه به مبانی قرآن ابتدا دامن خود انسان را می‌گیرد. حاصل آن که انسان باید با درک درست از قرآن و نظام طبیعت، الگوی اخلاق محیط‌زیستی برآمده از قرآن را با بهره‌گیری شایسته و تعامل متناسب با محیط زیست رعایت کند.

۴. طبیعت زیبا و قدسی است

یکی دیگر از صفاتی که از طبیعت در قرآن کریم ارائه شده، زیبایی و قدسی بودن آن است. از دیدگاه قرآن کریم، انسان و تمام مخلوقات خدا به بهترین و زیباترین شکل آفریده شده‌اند: «همان کسی که هر چیزی را که آفریده‌است نیکو آفریده» (سجده، ۷). خدا همه چیز را زیبا خلق کرد که از آن زیباتر ممکن نیست، و گر نه علم خداوند به آن تعلق می‌گرفت و از گستره سفره

احدیت است. به این ترتیب معلوم می‌شود که آنچه در این جهان است، حقیقت و اصل و کنه آن در جهان دیگر یعنی جهان غیب است و آنچه در آن جهان است سایه و مرتبه تنزل یافته‌اش در این جهان است. (Motahari, 1978: 114-115).

۷. وجود طبیعت فیض الهی است

فیض الهی نیز تعبیر بسیار مهمی در حکمت اسلامی است که وجود همه موجودات را به دلیل اخذ فیض الهی می‌داند. بر اساس این نظریه نسبت خداوند با همه اشیاء، یکسان است و به همین دلیل همه مانند عیسی (ع) مظهر حق هستند، در حالی که نسبت اشیاء به خداوند یکسان نیست و بعضی به مقام قرب الهی رسیده‌اند و برخی دیگر خیر. واجب الوجود، سرآغاز هر فیض و هر موجودی است. (Mulla Sadra, 1979: 132).

۸. طبیعت محاط در محیط الهی است

احاطه خداوند بر همه اشیاء نیز که حاصل آن اطلاق نام محیط بر خداوند تبارک و تعالی است، از مفاهیم مهم تفکر اسلامی است که برای آن تفاسیر و تأویلات فراوانی ارائه می‌شود. علم او به همه کلیات و جزئیات محیط است، و هیچ چیزی نه در آسمان‌ها و نه در زمین، خارج از کنترل و دسترس او نیست. علم او که همان ذات اوست، انگیزه پدید آمدن چیزهایی است که از او خلق می‌شوند، پس هر چیزی را به حکمت خود آشکار ساخت (Mulla Sadra, 1979: 130-131). بنا به نظریه علامه طباطبایی همه ذرات عالم محاط و خداوند محیط بر همه آنهاست (Naghizadeh, 2003: 153).

۹. طبیعت نشانه و آیه خداوند است

تعالیم اسلامی طبیعت را به عنوان آیات الهی مطرح می‌کنند، که با تفکر و تدبر و تعقل درباره عناصر آن و ارتباط آنها با یکدیگر، انسان را به شناخت بهتر عالم وجود و در نهایت به شناخت خالق هستی و وحدانیت او رهنمون می‌گردد (فصلت، ۵۳؛ یونس، ۱۰۱؛ جاثیه، ۵؛ عنکبوت، ۴۴؛ سبأ، ۹) به بیان دیگر طبیعت در تعالیم اسلامی و در بسیاری از آیات قرآن به عنوان یکی از ابزارهای شناخت مطرح شده است. درک و فهم آنچه که در قرآن در مورد عناصر طبیعی بیان شده است، لزوم ارتباط نزدیک و مداوم انسان با طبیعت را در لحظات مختلف زندگی و در مکان‌های متفاوت نشان می‌دهد.

کلمه آیه به معنای علامت و نشانه است. در قرآن کریم، حقایق جهان آفرینش، نشانه‌هایی از قدرت کامل و حکمت الهی معرفی شده‌اند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «به راستی، در آمد و رفت شب و روز و

آن نام قانون و یا عقل می‌نهند، اما هوشمندی طبیعت از این مرحله مادی و ظاهری بسیار والاتر و فراتر است. طبیعت مورد خطاب و مکالمه خداوند است. گذشته از آیاتی که صراحتاً به وحی خداوند عزوجل به زبور عسل تصریح دارد (نحل، ۶۸). بسیاری آیات دیگر از جمله آیات ۱۸ و ۲۰ تا ۲۳ سوره نمل و آیه ۱۳ سوره سبأ به شعور موجودات اشاره دارند. آیاتی از قرآن صراحتاً جمادات و کوه‌ها را مورد خطاب الهی معرفی می‌کند. از جمله این‌که «امانت» به آسمان‌ها، زمین و کوه‌های عالم عرضه می‌گردد که جملگی آنها از پذیرش آن امتناع می‌ورزیدند (احزاب، ۷۲). و دیگر اینکه به آسمان و زمین فرمود که همه به میل و یا به اجبار به سوی خدا بشتابید و آنها عرضه داشتند با میل به سوی تو می‌شتابیم (فصلت، ۱۱). که اینها نشان‌دهنده درجه شعور بالا و هوشمندی آنهاست. بر همه اینها می‌توان آیاتی را که به سجده خداوند تبارک و تعالی و تسبیح و تزکیه وی از سوی گیاه، جماد، پرنده، ستاره، آسمان‌ها و زمین و هر چه در آنهاست، افزود (نور، ۴؛ ص، ۱۸؛ رعد، ۱۳؛ اسراء، ۲۷ و ۴۴؛ اعراف، ۵۶).

۶. طبیعت تجلی و منعکس کننده و سایه ذات خداوند است

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در وادی فلسفه و عرفان مطرح شده نظریه تجلی است. این نظریه که بارزترین دلیل آن آیه ۱۴۳ سوره مبارکه اعراف است، به تجلی خداوند در کوه اشاره می‌نماید. در کلام امام علی (ع) نیز موضوع تجلی مورد اشاره قرار گرفته است. امام می‌فرماید: «سپاس خداوندی را که به سبب آفرینش خود بر بندگانش آشکارا متجلی است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۷: ۲۳۹-۲۳۸). و نیز می‌فرماید «پس خداوند متعال در کتاب خود بی‌آن‌که او را ببینند، خود را به بندگانش متجلی ساخت» (نهج البلاغه، خطبه: ۱۴۷-۱۴۸). نظریه مهم دیگری که درجه و مرتبه‌ای از تجلی است، نظریه «ظهور» است که در آیات ۷ سوره روم و آیه «اوست اول و آخر و ظاهر و باطن، و او به هر چیزی داناست» (حدید، ۳). به آن اشاره دارند. ابن عربی آفرینش طبیعت را یک تجلی می‌داند. خلاصه نظر او چنین است: «نمونه‌های اعلا و نخستین همه اشیاء که صورتهایی از اسما و صفات الهی هستند به حالت کمون در عقل الهی وجود دارند. سپس خداوند به آنها هستی می‌بخشد و چنان می‌شود که آنها تجلی پیدا می‌کنند ولی آنچه در جهان محسوس دیده می‌شود تنها سایه‌ای از آن نمونه‌های اعلاست و مکتب وحدت شهود بر این عقیده است که آفرینش تجلی نمونه‌های اعلاست» (Nasr, 1980: 325). صفت آیینگی طبیعت صفتی است که در آن عالم طبیعت، تجلی‌گاه و انعکاس‌دهنده حقیقت حضرت

۱.۱. خداوند مسجود اعضای طبیعت است

واژه «سجده» در لغت به معنای تذلل، خضوع و اظهار فروتنی است. راغب اصفهانی می‌گوید: «اصل کلمه سجود به معنای سر فرود آوردن و اظهار خواری است» (Raghib Isfahani, 1996:396). این کلمه برای بیان خواری در برابر حق و عبادت آن وضع شده است که شامل انسان‌ها، حیوان‌ها و جمادها می‌گردد و بر دو قسم است: سجود اختیاری که مخصوص انسان است و سجود تسخیری که بر انسان، حیوان و نبات صدق می‌کند. همچنین سجده دارای دو گونه دیگر است: تشریعی و تکوینی. سجده تشریعی همان فعلی است که به صورت امری واجب در اغلب نمازها انجام می‌شود. سجده تکوینی هم به معنای تذلل و اظهار فروتنی است (Momeni, 2004, 116-117). **قرآن** درباره سجده تشریعی می‌فرماید: «بگو: [چه] به آن ایمان بیاورید یا نیاورید، بی‌گمان کسانی که پیش از [نزول] آن دانش یافته‌اند، چون [این کتاب] بر آنان خوانده شود سجده‌کنان به روی درمی‌افتند» (الاسراء، ۱۰۷). در آیه‌ای دیگر، سخن از سجده موجودات در برابر ذات مقدس پروردگار به میان آمده است: «آیا ندانستی که خداست که هر کس در آسمان‌ها و هر کس در زمین است، و خورشید و ماه و [تمام] ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می‌کنند؟ و بسیاری‌اند که عذاب بر آنان واجب شده است. و هر که را خدا خوار کند او را گرامی‌دارنده‌ای نیست، چرا که خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد» (حج، ۱۸).

خداوند در **قرآن** کریم درباره سجده تکوینی موجودات نیز از لفظ «مَنْ» که در اصل برای صاحبان خرد به کار می‌رود، در جمله «وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ» تنها خضوع موجودات با شعور را مطرح می‌کند و می‌فرماید: «و هر که در آسمان‌ها و زمین است - خواه و ناخواه- با سایه‌هایشان، بامدادان و شامگاهان، برای خدا سجده می‌کنند» (رعد، ۱۵). با اینکه می‌فرماید: «آیا به چیزهایی که خدا آفریده است، ننگریسته‌اند که [چگونه] سایه‌هایشان از راست و [از جوانب] چپ می‌گردد، و برای خدا در حال فروتنی سر بر خاک می‌سایند؟» (نحل، ۴۸).

۱.۲. خداوند بر رعایت حقوق اجزای طبیعت تأکید کرده است

در **قرآن** کریم و آموزه‌های ائمه اطهار(ع) بر رعایت حقوق حیوانات تأکید و چگونگی تعامل درست آدمی با آنها تبیین شده است. در **قرآن** حیوانات هم مانند انسان‌ها با واژه امت خوانده شده‌اند. «هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و هیچ پرنده‌ای که با بال خود پرواز

آنچه خدا در آسمان‌ها و زمین آفریده، برای مردمان پرهیزکار نشانه‌هایی وجود دارد» (یونس، ۶). در این آیه شریفه آسمان‌ها و زمین و تغییر شب و روز، نشانه خدا دانسته شده است (Nasr, 1994: 74). انسان بینا، فعالیت خداوند در طبیعت را مشاهده می‌کند و از اشیای عالم عبور کرده، کنه مخلوق و صنع بودن آنها را از ناحیه خداوند درمی‌یابد. اگر آدمی پیش‌فرض‌های نادرست، تعصب‌ها، گرایش‌های غیرمنطقی و فاقد دلیل را که در اعماق ذهن و اعتقاد او ریشه دواینده و چونان حجابی وی را از دیدن حقایق و درک واقعیت‌های نظام طبیعت بازداشته‌اند، به کنار نهد، به روشنی درمی‌یابد که در پس پرده این جهان مادی، پروردگاری وجود دارد که آفریننده و تدبیرکننده آنهاست (Hosseini, 2001: 137-138). بسیاری از افرادی که آیات الهی را در طبیعت می‌بینند؛ ولی در آنها تدبیر نمی‌کنند و از آنها بهره نمی‌گیرند؛ و چه بسیار نشانه‌ها در آسمان‌ها و زمین است که بر آنها می‌گذرند در حالی که از آنها روی برمی‌گردانند (یوسف، ۱۰۵؛ روم، ۱۲؛ آل عمران، ۱۹۰؛ نحل، ۸۶).

۱.۱۰. اجزای طبیعت تسبیح‌گوی خدا هستند

تسبیح یعنی پیراستگی خداوند از عیب و نقص که بازگشت آن به توصیف خدا با صفات سلیبی او است (Sobhani, 1985:170-171). چنانکه خداوند در **قرآن** کریم می‌فرماید: «آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست او را تسبیح می‌گویند، و هیچ چیز نیست مگر این که در حال ستایش، تسبیح او می‌گوید، ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید. به راستی که او همواره بردبار [و] آمرزنده است» (الاسراء، ۴۴). از نگاه **قرآن** طبیعت همیشه در حال ستایش خداوند است. از این رو قداست و حرمت الهی، سراسر عالم را فراگرفته است به گونه‌ای که عالم یکی می‌شود و همواره ستایش‌گر خداوند است و انسان‌ها در برابر این عالم سراسر تسبیح-گو، همواره با نگاهی سرشار از تعظیم و تقدیس می‌نگرند (PourMohammadi, 2008: 290). وقتی انسان بداند طبیعت تسبیح‌گوی حق است، ارتباط او با محیط فقط برای تأمین نیازهای خود نخواهد بود بلکه آن را موجودی زنده و در زندگی خود شریک می‌داند؛ گویی یکی از اعضای خانواده اوست و به عنوان یک موجود زنده و برخوردار از حقوق با آن مواجه می‌شود. در این نگرش قراردادن محیط زیست به عنوان یکی از ارکان هستی که تسبیح‌گوی پروردگار است و در مسیر کمال آدمی خداوند را فرمانبرداری می‌کند ظرفیتی معنوی برای انسان ایجاد می‌کند، که نگرش انسان را تغییر داده، با تغییر نگرش انسان رفتار و نحوه مواجهه او با طبیعت خداپسندانه و همراه با شعور و آگاهی می‌گردد.

حیوانات و دیگر عناصر طبیعت داشته باشد. طبیعت موهبتی الهی است تا انسان بتواند امکانات سفر به ابدیت را از آن تهیه کند. اسلام ضمن تأکید بر جایگاه محوری انسان در آفرینش، او را از این که خود را حاکم بی قید و شرط عالم بداند برحذر می‌دارد.

در ارتباط با جایگاه انسان در طبیعت به چند نکته می‌توان اشاره کرد: خداوند انسان را جانشین خود در زمین قرار داد (بقره، ۳۰). انسان دارای نوعی کرامت تکوینی نسبت به سایر مخلوقات است. (الاسراء، ۷۰). انسان توانایی عقل‌ورزی و انتخاب آگاهانه و استعداد کمال‌یابی بی‌نهایت را دارد. بنابراین بر سایر مخلوقات برتری و شرافت دارد (انشقاق، ۶)، انسان امانت‌دار الهی است (احزاب، ۷۲).

در متن چنین نگرشی به طبیعت، آدمی به خودی خود به ساده‌زیستی و سبک‌باری ترغیب می‌شود. اسراف و تکاثر که اساس تخریب محیط زیست است با نگرش دینی به انسان و حیات او منافات دارد. انسان مؤمن خود را در برابر هر نوع عملکردی در طبیعت مسئول می‌داند زیرا آن را امانت خداوند در دست خود می‌داند، و زندگی خود را در آن، چند لحظه‌ای بیش نمی‌داند و هرگز خود را غرق در بهره‌کشی از طبیعت نخواهد کرد. از مجموع این توصیه‌ها می‌توان دریافت که رویکرد اسلام با عناصر طبیعت، ابزاری نیست یعنی آنها را فقط برای آنکه در آینده مورد استفاده انسان باشد، مورد توجه قرار نداده است بلکه نشانه‌هایی از پذیرش ارزش ذاتی آنها در توصیه‌های اسلامی دیده می‌شود.

دلایل حفاظت از محیط‌زیست از دیدگاه اسلام

دین اسلام بنا بر دلایل زیر بر ضرورت حفاظت از محیط زیست تأکید می‌کند:

۱. محیط‌زیست آفریده خداوند است و حفظ آن، در واقع حفظ ارزش‌هایی است که آن را به عنوان نشانه خالق قرار داده است.
۲. اجزای طبیعت عناصری هستند که همواره در کار ستایش خداوند خویش‌اند. ممکن است انسان‌ها شکل و ماهیت این ستایش را درک نکنند، اما وجود این حقیقت که قرآن به توصیف آن پرداخته است، دلیل دیگری بر حفظ محیط زیست است.
۳. اصول اخلاقی محیط‌زیست در اسلام مبتنی بر این مفهوم است که روابط انسان‌ها بر مبنای عدل و احسان است.
۴. محیط زیست هدیه‌ای از سوی خداوند برای همه عصرها و نسل‌هاست.
۵. خداوند وظیفه جانشینی خود را در وجود انسان به امانت

می‌کند، مگر آن که آنها نیز گروه‌هایی مانند شما هستند، ما هیچ چیزی را در کتاب (لوح محفوظ) فروگذار نکرده‌ایم، سپس همه به سوی پروردگارشان محشور خواهند گردید» (انعام، ۳۸). اندیشه حشر حیوانات می‌تواند تأکیدی بر توجه و مراقبت انسان در رفتار با حیوانات باشد. حیوانات هم در سفره زمین سهم دارند و آدمی حق ندارد بهره آنان را نادیده گیرد. «زمین را برای جانداران نهاد، در آن میوه‌ها و نخل‌ها با خوشه‌های غلاف‌دار» (الرحمن، ۱۲-۱۰).

جایگاه انسان در رویکرد اسلامی به محیط زیست

هر چند تعابیر قرآن کریم، در باب منشأ و ماده اولیه آفرینش انسان متفاوت است و خداوند در آیات متعدد؛ زمین (هود، ۱۱)، خاک (حج، ۵)، گل خشکیده (حجر، ۲۶)، گل (انعام، ۲)، آب (فرقان، ۵۴؛ نور، ۴۵) و نطفه (نحل، ۴؛ یس، ۷۷) را به عنوان ماده اولیه آفرینش انسان معرفی کرده، اما با تأمل در این آیات، به خوبی می‌توان دریافت که خداوند متعال ماده اولیه آفرینش انسان را از طبیعت برگزیده است (Fatali, 2010: 102).

آفرینش انسان در چند مرحله صورت گرفته (مؤمنون، ۱۴-۱۲) که مهم‌ترین این مراحل، نفخ روح به جسم و کالبد انسان است. آفرینش انسان با میدن روح در او کامل و تمام می‌شود (حجر، ۲۹-۲۸؛ ص، ۷۱-۷۲). انسان موجودی مختار و توانا بر انتخاب آگاهانه است. اگر انسان مختار نباشد، ابتدا و آزمایش، بشارت و انذار و میثاق که در آیات متعدد قرآن به آنها اشاره شده، معنا پیدا نخواهند کرد. قرآن کریم که انسان را موجودی مختار می‌داند، او را مسئول می‌شناسد (صافات، ۴۴). از نظر قرآن، کمال انسان در گرو اجرای کارهای اختیاری است. از این رو بحث از ارزش، حق و مسئولیت اخلاقی، فقط درباره انسان معنا و مفهوم دارد.

ادیان آسمانی عموماً و به ویژه اسلام در مجموع به برتری و سلطه انسان بر طبیعت مهر می‌زند و همه چیز را در تسخیر انسان می‌داند. طبیعت در تسخیر انسان است زیرا انسان جانشین خداوند در زمین است اما معنای خلیفه و جانشین بودن انسان رهایی وی از هرگونه حد و مرزی در مواجهه با طبیعت نیست. انسان آمده است تا طبیعت خداوند را حفظ و آباد سازد و نه اینکه آن را ویران کند زیرا چنین چیزی با جانشینی انسان برای خداوند منافات دارد. طبیعت رام آدمی است. رام بودن طبیعت، به معنای فراهم بودن امکان بهره‌برداری از آن در جهت مطلوب و به شیوه مطلوب است. همانطوری که خداوند به استناد حکمت خویش در هر چیزی اندازه‌ای قرار داده و نظام طبیعت را با عدل و انصاف و احسان می‌گرداند، خلیفه او در زمین هم باید رویکرد عادلانه و توأم با احسان در قبال

گذاشته و او را مسئول حفظ محیط زیست قرار داده است.

بایسته‌های دینی حفاظت از محیط زیست

با توجه به مبانی دینی حفاظت از محیط زیست یک سلسله الزامات می‌توان استخراج کرد که این الزامات مبانی تدوین هدف‌های تربیتی در حوزه حفاظت از محیط زیست قرار می‌گیرند که در ذیل به برخی از آنان اشاره می‌شود:

۱. باید به محیط زیست به عنوان یک مجموعه واحد نگریست زیرا هر بخش آن در بخش‌های دیگر اثرگذار است.
۲. باید به محیط زیست به عنوان موجودی هدفمند که در جهت کمال در حرکت است، نگریسته شود.
۳. بر طبیعت نظم و قانونمندی حاکم است. بنابراین در استفاده از طبیعت باید از این نظم و قانونمندی پیروی کرد.
۴. باید محیط زیست را آیه و نشانه خداوند تصور کرد که انسان فقط در مقام و منصب خلیفه الهی حق استفاده از آن را دارد؛ لذا مجاز به هر گونه استفاده از آن نیست.
۵. تعادل و توازن محیط زیست باید حفظ شود.
۶. بهره‌وری از محیط زیست باید مبتنی بر حکمت باشد نه علم.
۷. برای حفاظت از محیط زیست باید آن را موجود مقدسی شمرد.

بحث و نتیجه‌گیری

در ارتباط با ضرورت تعیین حفاظت از محیط زیست به عنوان یک هدف تربیتی دلایل متعددی می‌توان ارائه کرد که در این نوشتار به دو دلیل مهم اشاره شده است:

ادامه حیات انسان و حرکت او به سوی کمال و نیز همه موجودات زنده دیگر وابسته به تأمین نیازهای آنان توسط محیط زیست است. در غیر این صورت ادامه حیات آنان امکان‌پذیر نخواهد بود. برآوردهای صورت گرفته بیانگر وضعیت نامطلوب محیط زیست است (Calendar of National Security of the Islamic Republic, 2015: 364-379).

عوامل بوجود آورنده وضعیت کنونی محیط زیست متعدّدند. برخی از این عوامل مانند تغییر اقلیم از کنترل انسان خارج‌اند. برخی دیگر مانند تخریب و سوزاندن جنگل‌ها، آلودگی هوا، آلودگی آب نهرها، رودخانه‌ها، دریاها و اقیانوس‌ها، خشکاندن تالاب‌ها و مواردی از این قبیل، نتیجه طرز تعامل انسان با محیط است. نهادهای آموزشی در ارتباط با عوامل مذکور نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. در ارتباط با عوامل دسته اول، وظیفه نهادهای آموزشی، آموزش طرز تعامل، مواجهه و کنار آمدن با وضعیت موجود است. نهادهای مذکور

در ارتباط با عوامل دسته دوم می‌توانند با آموزش طرز تعامل درست با محیط زیست، آموزش شیوه‌های بهبود وضعیت محیط زیست و جلوگیری از ادامه روند موجود ایفای نقش نمایند. مطالب فوق بیانگر آن است که در برخورد با هر دو دسته از عوامل بوجود آورنده معضلات محیط‌زیستی آموزش نقش مؤثری خواهد داشت.

از دلایل دیگر ضرورت تعیین حفاظت از محیط زیست به عنوان یک هدف تربیتی آن است که دانش و آگاهی از متغیرهای مؤثر در ایجاد و تغییر نگرش و رفتار در افراد نسبت به محیط زیست است. دانش، نگرش انسان را نسبت به محیط زیست تحت تأثیر قرار می‌دهد. نحوه نگرش و طرز تفکر فرد باعث رفتارهای محیط‌زیستی خاصی در وی می‌شود. به عبارت دیگر دانش، باعث ایجاد نگرش مطلوب در فرد می‌شود که در نهایت در صورت فراهم بودن شرایط به رفتار مطلوب محیط‌زیستی می‌انجامد. نتایج تحقیقات آگوز و همکاران^۲ (۲۰۱۰)، آکومولاف^۳ (۲۰۱۱) و صالحی^۴ (۱۳۸۹) نشان داده است آگاهی‌های دانش‌آموزان و دانشجویان نسبت به مسائل محیط‌زیستی اندک است و نمی‌توانند نسبت به محیط زیست و مشکلات آن نگرش تأثیرگذاری داشته باشند. آموزش‌های محیط‌زیستی مفید و کارآمد در ارتقای دانش، نگرش و مهارت‌های محیط‌زیستی تأثیر فراوان دارند. دلایل فوق نشان می‌دهند که تعیین حفاظت از محیط زیست به عنوان یک هدف تربیتی ضروری است و آموزش بر اساس آن می‌تواند در حفاظت از محیط زیست نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. همانطور که گفته شد افزایش و تغییر در دانش و آگاهی‌های محیط‌زیستی و ایجاد حساسیت لازم نسبت به محیط زیست، مستلزم آموزش است. آموزش، معمولاً به یک ارزش توجه دارد. شناخت ارزش‌های محیط‌زیستی یک سلسله بایدها و نبایدهای تربیتی به همراه خواهد داشت. این ارزش‌ها، بایدها و نبایدها را باید مبنای تعیین اهداف تربیتی و در نهایت تنظیم محتوای برنامه درسی قرار داد. این بایدها و نبایدها می‌توانند ماهیت دینی، فلسفی، فرهنگی و غیره داشته باشند.

در این پژوهش منظور از مبانی دینی حفاظت از محیط زیست، توصیف‌هایی از محیط زیست هستند که از سوی منابع دینی به‌ویژه **قرآن** کریم ارائه شده و یا توسط محققان و مفسران از منابع مذکور استخراج گردیده‌اند. **قرآن** کریم توصیف‌هایی از طبیعت ارائه نموده که چگونگی این توصیف‌ها انسان را وامی‌دارند که حفاظت از محیط زیست را یک هدف تربیتی تلقی نماید و آن را پایه و اساس زندگی خود و به‌ویژه تعلیم و تربیت قرار دهد. در حقیقت این مبانی یا

2. Oguz et al
3. Akomolafe
4. Salehi

و کمال یابی بی‌نهایت انسان سبب شده‌است که در برابر همه نعمت‌هایی که خداوند به او ارزانی داشته، مسئول باشد. مسئولیت اخلاقی انسان در برابر طبیعت، بر حسب فضیلت امانت‌داری و جانشینی او در زمین است. اگر انسان از توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و نعمت‌های خدادادی از جمله محیط‌زیست، به درستی و مطابق دستورات الهی بهره‌گیرد، در نهایت به قرب الهی که هدف غایی در تربیت اسلامی است، نائل می‌گردد. بنابراین تدوین حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یک هدف تربیتی باید مبتنی بر توصیف‌هایی باشد که قرآن از طبیعت و انسان ارائه نموده‌است: ۱. طبیعت، مخلوق مستمر خداوند است؛ ۲. طبیعت، نظام‌مند و هدفمند است و بر اساس تدبیر حکیمانه‌ی الهی اداره می‌شود؛ ۳. طبیعت، آیت خدا و تجلی صفات و اسمای اوست؛ ۴. طبیعت، دارای عشق و شعور است؛ ۵. طبیعت، دو چهره‌ی ملکی و ملکوتی دارد؛ ۶. بر طبیعت، قوانین و سنت‌های الهی حاکم است؛ ۷. طبیعت، مایه آفرینش انسان است؛ ۸. طبیعت، مسخر انسان است و ۹. انسان در برابر طبیعت مسئول است. تعیین حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یک هدف کلی تربیتی، منبع استخراج اهداف واسطه‌ای، جزئی و رفتاری در این زمینه است.

«بایدها و نبایدها» پایه‌هایی هستند که حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یک هدف تربیتی بر آنها استوار است.

بر اساس توصیف‌های قرآن، طبیعت مخلوق و مملوک خداوند است و بر اساس قوانین و سنت‌های تغییرناپذیر الهی اداره می‌شود و به سوی غایتی ارزشمند در حرکت است. طبیعت دارای نظامی هماهنگ و موزون بوده، و از نوعی انسجام و سنجیدگی برخوردار است. طبیعت در احاطه کامل خداوند قرار دارد و دارای دو بُعد ملکی و ملکوتی است. از نوعی شعور و هوشمندی برخوردار می‌باشد. طبیعت زیبا و قدسی، تجلی و آیت خداوند و راهی برای شناخت اوست. بر اساس آیات قرآن کریم اجزای طبیعت همیشه در حال سجده پروردگارد و او را تسبیح می‌گویند.

طبیعت، ماده اولیه انسان است و خداوند طبیعت را مسخر انسان ساخت. از آنجا که هستی، از جمله طبیعت و انسان، ملک خداوند متعال هستند، همه انسان‌ها با رضایت و اذن خداوند از حق تصرف و بهره‌مندی از طبیعت برخوردارند. اما انسان نمی‌تواند هرگونه که بخواهد با طبیعت و محیط‌زیست رفتار کند و به هر مقداری بخواهد از آن استفاده کند، بلکه باید بر اساس منصب خلیفه‌الهی، در طبیعت تصرف و از آن استفاده کند. از هرگونه اسراف، تبذیر، تخریب و فساد به شدت بپرهیزد. توانایی عقل‌ورزی، اختیار و انتخاب آگاهانه

References

- Holy Quran (2003). Translated by Elahi Qomshei. Tehran. Omolbaha.
- Nahjolbalaqa (1999). Translated by Seyed Jafar Shahidi; Tehran. Scientifical and cultural organization.
- _____, (aphorisms by The great prophet) (2007). Translated by Ali Shirani. Qom. Darolghalam publications.
- Ajam, A. A. Saeedi Rezvani, M. (2011). "Challenges of the religiois educatin aims (Knowledge, affection and performance)." Tehran. *Journal of Research in Education and training Issues*. No. 17.
- Akomolafe, O. (2011). "Impact of personal Factors on Environmental Education in Tertiary Institutions in Ekiti State, Nigeria". *International Journal for Cross – Disciplinary Subjects in Education*, 1(1). PP. 559-564.
- Ayodeji, I. (2010). "Exploring secondary school student understanding and practices of waste management in Ogun State". *International Journal of Environmental & science Education*. 5(2).PP. 201-215.
- Beheshti, S (2000). "The procedure of intellectuahzation, a research about intellectual Educational system based on the remarks of Imam Ali(peace be upon him)". Tehran. cultural institute of contemporary science and thought publications.
- Fathali, M. (2011). "The theory of the environmental morality of Islam (emphasizing on the ideas of professor mesbah yazdi)." *in ethical Knowledge magazine*. No. 3.
- Frich, J. Kaiser, F.G, Wilson, M. (2004). "Environmental knowledge and conservation behavior: Exploring prevalence and structure in a representative sample". *Personality and individual Differences*. 36. PP. 1-27
- Heajhosseini, H. Shobeiri, M. Farajollahi, M. (2010). "The assessment of the needs and ascertaining the educational priorities of the high school students regarding environment protection and Permanent development." the Environment engineering conference. Tehran university.
- Hossein Zaki, N. (2004). "A Glance at the role of the Islam in the protection of the Environment." *Jihad culture magazine*. Qom. No. 3b.
- Hosseini, S. A. (2000). "Nature, the creature of God". *Jihad culture magazine*. Qom. No. 4b.
- _____, (2003). "The Rereading the Figh of the environemt." *Jihad culture magazine*. Qom.

- No. 31.
- Jahanbagloo, R. (2007). "In search of sacred matter, A conversation with seyed Hossain Nasr." translated by seyed Mostafa Shahraeini. Tehran. Ney. Publication. 1th ed.
- Javadi Amoli, A. (2007) "Islam and Environment." Qom: Asra center publications.
- Jokar, G. Mirdamadi, S. M. (2010). The opinions of the girl students of the high schools of shiraz city about the Environmental protection." *Educating and promoting of Agriculture Magazine*. No.1.
- Kaiser, F.G, WOLFING, S; Fuhrar, U. (1999). "Environmental attitude and ecological behavior" *journal of Environmental psychology*. 19. PP. 1-19.
- Kardan, A. M (2002). "The Evolution of the educational theories in west". Tehran. S.A.M.T.
- Manteqi, M. (2009) "the environment in view of religion." Miscellany of the articles about Quran and sciences(2) Mashhad Howzah and University Quran researches institute 1th ed.
- Mohaghegh Damad, S. M. (1994). "The nature and environment in the view of Islam." *The letter of culture magazine*. No. 13.
- Mollah Sadra, S. (1979). "Alwaredat Alqalbia fi almerefate Alboubieh." translated by Ahmad Shafieha. Tehran. Philosophy society of Iran.
- Momeni, M. (2004). "Tree in Quran". Qom. Jihad culture magazine. No. 35.
- Motahari, M. (1978). "Monotheistical worldview". Qom. sadra.
- Naqizadeh, M. (2003). "The worldview and Environmental protection". Tehran. the letter of sciences Academy magazine. No. 22.
- Nasr, A. (1994). "The foundations of cosmology in Quran." Tehran. Amir kabiy, 1th ed.
- _____, (1980). "The view of the Islamic intelligentsia about nature". Tehran. kharazi.
- _____, (2000). "The need for sacred science." Translated by hasan Miondar. Qom. Taha. 1th ed.
- Oguz, D. Cakci, I. & Kavas, S. (2010) "Environmental Awareness of University students in Ankara, Turkey". *African Journal of Agricultural Researc*. 5(19). PP. 2629-2636.
- Pourmohamadi, A. (2008). "The philosophical Foundations of The environmental morality." Tehran. cultural- legal sina Institute 1th ed.
- Raqeb Esfahani, H. I. M. (1995). "Mofradat Alfaz Quran." Damascus. Darolelm.
- Saaidoin, M. M. (1999). "The Environment and human responsibility." Oom. *Jihad culture magazine*. No.16.
- Saif, A.A. (2000). "Training psychology (Learning and Education psychology)." Tehran. Agah institute publication.
- Sajadi, S.J (1996). "Philosophical and kalam sciences dictionary." Tehran. Amir Kabir.
- Salehi, S. (2008). "A Study of Factirs Underpinning Environmental Attitudes and Behaviours." UK. University of Leeds.
- Salehi, S. (2010). "Ecology, Environmental behavior and education, educational Sciences." *Journal of the Shahid Chamran University*. No. 3 and 4.
- Seyed Sharif. M. (2000). "Nahjolbalaqa, translated by Ansarian Tehran. the message of freedom publication." 7th ed.
- Sobhani, S. J. (1985). "Quran and the creation secrets.(the interpretation of Al Raad)." Qom. Imam Sadeq (peace be upon him) institute publication.
- Soltani, B. (1992). "An introduction to the ecology." Tehran. Tak.
- Strategic Studies Academy (2015). "The calendar of National security of the Islamic Republic of Iran." Tehran. strategic surveys center.
- Tabatabaei, M. H. (1994) "Tafsir Almizan." Tehran. Mohamadi publications.
- Tyler, R. (1978). "The basic principles of the Educational planning." translated by Ali Teghipour Zahir. Tehran. Abu Reyhan University Publications.
- Wallner, S., Hunziker, M., Kienast, F. (2003). "DO natual Science experiments influence public attitudes towards environmental problems". *Global environmental change*. 13. PP. 185-194.

